

وجوه نوگرایی غزل معاصر تاجیکستان

(با تأکید بر تأثیرپذیری از شعر معاصر ایران و شعر انقلاب اسلامی)

علیرضا قزوه (دکتری فیلولوژی دانشگاه ملی-دولتی تاجیکستان)

چکیده

غزل امروز تاجیکستان شاخساری پُربار از درخت تنومند ادبیات فارسی است و، در دهه گذشته با سیری شتابناک، تحولاتی چشمگیر از سر گذرانده است. تحولات سیاسی-اجتماعی جمهوری‌های استقلال‌یافته و تحولات فرهنگی ساحت ادبیات را نیز بی‌تأثیر نگذاشته است. در این مقاله، با روش تحلیل مفهومی و با ارجاع به آثار منتشرشده شاعران تاجیک (هشت شاعر کهن‌گرا و نوگرا که همه از نام‌برداران و تأثیرگذاران در شعر امروز تاجیک‌اند)، کوشش شده است برخی ابعاد برجسته غزل امروز تاجیکستان و نیز زوایای اثرپذیری شعر تاجیکستان از شعر معاصر ایران و به‌ویژه شعر انقلاب اسلامی در دو حوزه شکل و محتوا ارزیابی و بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: ادبیات معاصر تاجیکستان، غزل تاجیکستان، ادبیات معاصر ایران، شعر انقلاب اسلامی.

1- مقدمه

ادبیات تاجیک بخشی از ادبیات کهن‌سال و غنی زبان فارسی است. این قطعه از سرزمین شعر و ادب فارسی، در قرن دوازدهم هجری، از پیکر ایران‌زمین جدا شد. در آن قرن، قبیله‌های ترک ازبک آسیای مرکزی را تصرف کردند و رابطه‌های سیاسی و، به تبع آن، فرهنگی آسیای مرکزی و ایران عملاً قطع شد. (← خدایار، ص 43)

هفتاد سال اشغال تاجیکستان و صعوبت اوضاع پدیدآمده بر اثر آن، به قول یکی از محققان، از یک میلیون سال دشوارتر بوده است (Perry, p. 571). دورافتادگی چندقرنه فرارودان از آبشخورهای دیرین فرهنگ و شعر فارسی و قرار گرفتن هفتادساله شعر تاجیکستان در زیر سلطه فرهنگ روسیه تزاری و بعدها حکومت کمونیستی، به‌رغم وارد کردن خسارت‌های جبران‌ناپذیری به پیوستگی فکری و فرهنگی و ادبی ایران و ماوراءالنهر، مجالی پرتکاپو برای اهل فرهنگ و ادب این سرزمین فراهم آورد؛ چنان‌که توانستند با روشن نگه داشتن شعله‌های فرهنگ بومی و آداب‌وسنن مشترک فارسیان و تاجیکان رشته‌های انس‌والفت خود را با زبان و فرهنگ مادری حفظ کنند. از آن جمله می‌توان به ابوالقاسم لاهوتی اشاره کرد که هویتی تاجیکی-ایرانی یافته است (← شمس لنگرودی، ج 1، ص 49). باید به یاد داشت یکی از دلایل مهم ناهمواری‌های زبانی در شعر تاجیکستان، به‌ویژه در حوزه موسیقی بیرونی و کناری، دور ماندن از انجمن‌هایی است که زبان مادری آن‌ها شعر دری بوده است. از این منظر، می‌توان لاهوتی را شاعری دانست که در ایام قحط شاعران بزرگ زبان فارسی در آن حوزه موجب پیوند شعر فارسی و تاجیک شد.

نادر نادرپور نیز از شاعران مورد توجه مردم تاجیکستان است. این اقبال عمدتاً به دلیل تصویری و خیال‌آمیزی و عاشقانه بودن اشعار وی بوده است. بسیاری از شاعران تاجیک در قالب چارپاره از وی تقلید کرده‌اند.

شعر تاجیکستان، همچون شعر فارسی در ایران و افغانستان، با شعر اروپا و جهان پیوند مستقیم داشته است. تسلط زبان و فرهنگ روس بیش از یک قرن در آسیای میانه، در کنار آسیب‌هایی چون به حاشیه رفتن زبان فارسی، محاسنی هم داشته است. به باور برخی محققان، شاعران تاجیک، از طریق آموختن زبان روسی، با دانش و فرهنگ روس آشنا شدند و مفاهیم بسیاری را از بستر این فرهنگ در فرهنگ خودی ادغام کردند (← شکوری 1، ص 7). به گفته مرادی، منتقد تاجیک،

شاید بتوان ادبیات معاصر تاجیکستان را ادبیات حسرت نامید، چراکه مضامین آن سرشارند از حسرت بر دودمان ایرانی و عصر زرین شکوفایی ادب فارسی که هرگز تکرار نشد و شکر و گلایه از جدایی دو شهر سمرقند و بخارا. (ص 684)

در این پژوهش، از روش توصیفی و تحلیل محتوا و استناد به آثار مکتوب و نیز مصاحبه‌های مکتوب و شفاهی با شاعران و نویسندگان تاجیک بهره گرفته و شعر هشت تن از شاعران معاصر تاجیک، اعم از سنتی و نوگرا، با توجه به میزان اثرگذاری بر ادبیات تاجیکستان و اثرپذیری خلاقانه از شعر ایران بررسی شده است.

2- پیشینه پژوهش

در موضوع این مقاله، تاکنون پژوهش جدی و مستقلاً انجام نشده، اما از پژوهش‌های پراکنده می‌توان کتاب‌های خورشیدهای گمشده (علیرضا قزوه، 1376)، از ساقه تا صدر (علی موسوی گرماردی، 1384) و چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان (علی اصغر شعر دوست، 1376) و نیز مقالات «نگاهی به سبک شعر امروز تاجیکستان» (عبدالرضا مدرس‌زاده، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، 1391)، «رابطه‌های ادبی ایران و تاجیکستان و تأثیر آن بر شعر نو تاجیکستان» (عباسعلی بهاری اردشیری، شناخت، 1386) و «نسل‌ها و جریان‌های شعری در شعر معاصر تاجیکستان» (علیرضا قزوه، شعر، 1377) را نام برد.

3- وجوه اثرپذیری شعر تاجیکستان از میراث کهن فارسی

در این بخش، نخست می‌کوشیم عمده‌ترین وجوه اثرپذیری شعر معاصر تاجیکستان را از شعر کهن فارسی بررسی کنیم. از بین شاعران فارسی کهن، بیش از همه، سه تن بر شعر معاصر تاجیکستان اثرگذار بوده‌اند: حافظ، فردوسی و مولوی. البته، پیش از آنان، باید از رودکی نام برد که هم پدر شعر فارسی است و هم پدر بزرگ شعر تاجیک. تاجیکان سنت‌گرایند و به حفظ سنت باور و اهتمام دارند. بر همین اساس، ادبیات معاصر تاجیکستان نیز سخت متأثر از ادبیات فارسی کهن است. پرداختن به شعر معاصر تاجیکستان، بدون اشاره به نمایه‌های کهن آن، بحثی ابر خواهد بود.

3-1- حافظ

فراگرفتن دیوان حافظ معیار و ملاک سواد دانش‌آموزان در روستاها و شهرهای خراسان بزرگ و ماوراءالنهر محسوب می‌شده است و به آن‌هایی که مطالعه دیوان حافظ را به پایان می‌رسانند، در ردیف حافظان قرآن، ارج می‌نهند. (← شکورزاده، ص 43)

شعر حافظ در دل و ذهن سخنوران و شاعران خراسان تأثیر بسیاری داشته است.

غفاروف، دانشمند معروف تاجیک، در این باره می‌گوید:

نه تنها خواجه کمال‌الدین خجندی، که از معاصران حافظ بوده، دیگر سخن‌سرایان تاجیک نیز همچون عصمت بخارایی، اسیری خجندی، کاشفی خجندی، عبدالرحمان مشفق بخارایی که در مناطق گوناگون تاجیک‌نشین آسیای مرکزی زندگی می‌کرده‌اند، همه، از حافظ تأثیر پذیرفته‌اند. از پایه‌گذار ادبیات جدید تاجیک (صدرالدین عینی) تا جوان‌ترین شاعران امروز تاجیک، همه، در غزل، حافظ را استاد برحق خویش می‌دانند و، در پیروی از اشعار او، غزل گفته یا مخمس بسته‌اند. صدرالدین عینی، به تعبیر شاگردانش، از گهواره تا گور، حافظ می‌خواند. (ص 108-117)

به تصریح کتاب خراسان است اینجا، صدرالدین عینی این مصراع‌ها را، که مخمس خود او بر غزل حافظ است، در دم مرگ، گریان‌گریان به لب آورده بود:

مُرد عینی دردِ او بنهفته ماند طالع ناسازگارش خفته ماند
غنچهٔ امیدها نشکفته ماند راز حافظ بعد از این ناگفته ماند

ای دریغ از رازداران یاد باد

(← شکوری 2، ص 111)

دربارهٔ اعجاز سخن حافظ و مقام و مرتبهٔ جهانی او، شاعران تاجیک اشعار فراوان سروده‌اند. مثلاً، تورسون‌زاده (ص 27) در منظومهٔ *جان شیرین*، با اشاره به بیتی از غزل مشهور حافظ با مطلع «گر آن ترک شیرازی به دست آرد دلِ ما را/ به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را»، سروده است:

خنده‌ای که دلبر طناز کرد شاعران را بنده در شیراز کرد
خال هندو مُلک دل‌ها را گرفت هم سمرقند، هم بخارا را گرفت

دانشمندان و ادب‌شناسان تاجیکستان آموزش و نشر *دیوان حافظ* و تحقیق در آن را بعد از دههٔ چهل از قرن بیستم میلادی آغاز کردند. تا پیش از آن، نظام کمونیستی تبلیغ و نشر هرگونه میراث باقی‌مانده از نیاکان را منع کرده بود. *دیوان حافظ*، چون دیوان دیگر شاعران مشهور فارسی‌گوی، بعضاً در شکل کامل و گهگاه به طریق گلچین با الفبای کریل، در دسترس خوانندگان قرار گرفته است. دانشمندان طراز اولی چون عبدالغنی میرزایوف، خالق میرزازاده، شریفجان حسین‌زاده، اعلاخان افصح‌زاده و نادر شنبه‌زاده مقالات و رساله‌های پرمحتوایی دربارهٔ حافظ و آثار او نوشته و دیوان اشعارش را، با مقدمهٔ مفصل و تعلیقات، در سال‌های گوناگون با شمارگان مناسب چاپ کرده‌اند. متأسفانه، چاپ آثار بزرگان فرهنگ و ادب فارسی، از جمله *دیوان حافظ*، با این الفبا دچار نواقصی نیز بوده است که در دایرهٔ بحث ما نمی‌گنجد. افزون بر دانشمندان نام‌برده، ادب‌شناسان تاجیک (یوسف سلیم‌اف، رحیم هاشم، ولی صمد، سعدالله اسدالله، خدایی شریف‌زاده، عبدالمنان نصرالدین و...)، دربارهٔ آثار و زندگی حافظ، مقاله و نقد و رساله نوشته‌اند. در این میان، *حافظ‌نامه* نوشتهٔ اعلاخان افصح‌زاده را، که در شهر دوشنبه

به مناسبت تجلیل از ششصد و پنجاهمین تولد حافظ انتشار یافته، می‌توان جداگانه ذکر کرد، زیرا اطلاعات سودمند و جامعی درباره زندگی و آثار حافظ به مخاطبان شعر او می‌دهد. (← شکورزاده، ص 76-79)

3-2 فردوسی

شدت علاقه شاعران تاجیک به حکیم طوس باعث شده است بعضی از آن‌ها اشعاری با الهام از شاهنامه بسرایند. لایق شیرعلی (← ص 256)، در سلسله اشعار «الهام از شاهنامه»، به بازسرای پی‌پاره‌هایی از مضامین شاهنامه و تلفیق آن‌ها با مضامین امروزی در وزن و قالبی غیر از وزن و قالب شاهنامه (مثنوی در بحر متقارب) پرداخته است. «الهام از شاهنامه» مشتمل است بر شعرهای «پسر هژدهم کاوه» (چارپاره)، «روح رخس» (آزاد)، «غرور رستم» (چارپاره)، «پشتیبانی» (آزاد-چارپاره)، «گریه کاوه بر هجده پسرش» (غزل)، «نوحه ته‌مینه بر سهراب» (چارپاره)، «آخرین جنگ رستم» (چارپاره)، «ارواح دام‌نگیر» (چارپاره)، «فردوسی و تیمور» (چارپاره) و «وصیت فردوسی» (چارپاره).

بازار صابر (ص 353) در شعر «جنگ رستم با دیو سفید»، برخلاف لایق، راهی دیگر برگزیده است. او شعری را که مضمون آن برگرفته از شاهنامه است، در همان وزن و قالب، باز سروده است:

چو رستم به ایوان دیوان رسید درویش پُر از لشکر دیو دید
بگفتند دیو سفید از شراب شود مست اگر، اندر آید به خواب

3-3 مولوی

مولوی تأثیرگذارترین شاعر بر شعر معاصر تاجیک است. شاید به این دلیل که شعر او، به‌ویژه غزل‌های پُرشور او، جوشش و جریانی متناسب با طبیعت زبان فارسی دارد. در غزلیات شمس، زبان شعر و موسیقی به وحدتی طبیعی و تفکیک‌ناپذیر رسیده است.

در شعر شاعران تاجیکستان، تأثیر موسیقایی شعر مولوی به خوبی نمود یافته است. به نمونه‌هایی از آن نظر افکنیم:

گاهی که عاشق نیستم من کیستم، من چیستم؟ گاهی که عاشق نیستم من نیستم، من نیستم!
(گلرخسار صفی‌اوا، ص 47)

تو خنده، من چشم‌ترم؛ تو شعله من خاک‌ترم دریا تویی، گوهر منم؛ تو سروری، من بی‌سرم
(همان، ص 151)

ای باغ دل، ای داغ دل، دیر آمدی، دیر آمدم ای بوسه‌ها، ای غصه‌ها، سیر آمدی، سیر آمدم
(عجمی 3، ص 168)

اندر صباحِ بختِ من، شمس‌الحقی پیغام داد تابنده شد مشرق‌زمین، زان آفتابِ شعله‌ور
(خجندی، ص 68)

استفاده گسترده شاعران تاجیکستان از واژگانی چون «پدر» و «اندر» و «یدون» می‌تواند تا حدود زیادی نشانه کهن‌گرایی آنان باشد و به شعرگزینی مخاطب امروزی بینجامد.

4- تأثیر ادبیات نیمایی بر شعر معاصر تاجیکستان

شاعران تاجیک مطمئناً به دلیل ارتباط کمتر با ایران و بن‌بست رسم‌الخط روسی و دسترسی کمتر به رسانه‌های نوینی چون اینترنت، به تناسب افغانستان، کمتر توانسته‌اند به معنای واقعی ماهیت شعر پس از مشروطیت ایران را دریابند، اما شعر معاصر ایران هم در سبک و هم زبان بر شاعران تاجیک بی‌تأثیر نبوده است. تأثیر شاعرانی چون ملک‌الشعراى بهار، ابوالقاسم لاهوتی، نیما، شهریار، شفیعی کدکنی، فریدون مشیری و... در آثار شاعران تاجیک محسوس و مشهود است. (← شعر دوست، ص 300)

تأثیر شعر کهن فارسی و شاعرانی چون حافظ، فردوسی، بیدل و بیش از همه مولوی بر شعر فرزانه آشکار است. از فرزانه خجندی، شاعر مشهور آسیای مرکزی، تاکنون دفترهایی با نام طلوع خنده‌ریز (1987)، شبیخون برف (1989)، پیام نیاکان (به ویراستاری

قیصر امین‌پور و به همت مؤسسه انتشاراتی سروش، 1376)، برگ‌های زرین (به روسی، 1990)، آیت عشق (1994)، سایه غزل (1996)، تا بی‌کرانه‌ها (1998)، معراج شبنم (2000)، گلچین اشعار (2001)، قطره‌ای از مولیان (2003) و سوز ناتمام (1385) منتشر شده و او را شاعری موفق معرفی کرده است.

علاوه بر شاعران کهن، شاعران معاصر نیز تأثیر شگرفی بر ذهن و زبان شاعران غزل‌سرای معاصر تاجیکستان داشته‌اند. در ادامه، به برخی از این اثرگذاری‌ها اشاره می‌شود.

4-1- سهراب سپهری

از میان اشعار معاصر، تأثیر هشت کتاب (1356، سروده سهراب سپهری) در اشعار سال‌های اخیر فرزانه خجندی، به‌ویژه در تصویرهای ذهنی او، مشهود است و نشان می‌دهد شعر فرزانه، همگام با لایه‌های ذهنی و زبانی ادب کهن، به شعر نو فارسی نزدیک می‌شود؛ افزون بر اینکه چیرگی بر زبان شعر فارسی و تلاش برای نزدیک کردن زبان شعر فارسی‌زبانان ایران، تاجیکستان و افغانستان نیز در سروده‌های او آشکار است. دارا نجات و گل‌نظر کیلیدی نیز از شاعرانی‌اند که فراوان از سهراب سپهری و نگاه او تأثیر پذیرفته‌اند.

هرچند اشعار سپهری کمتر از دیگر سخن‌سرایان ایران معرفی شده، امروز برخی از شاعران تاجیک در کشورهای آسیای مرکزی¹ از او تأثیر می‌گیرند و، به قول گلرخسار (شاعر تاجیک)، همه «سهراب‌بیمار» شده‌اند (شاه منصور خواجه‌اف، ص 19) و از او پیروی می‌کنند و عنوان کتاب‌های خود را به تقلید از او می‌گذارند. مثلاً، *صدای پای واژه‌ها* (سروده اسکندر ختلانی) برگرفته از نام *صدای پای آب سپهری* است و *اندوه سبز محمدعلی* عجمی نیز حجم سبز سهراب را در ذهن تداعی می‌کند.

1. در سال 2002، خانم نرگس شاهعلی‌اوا، شاعر و محقق ازبکی، *صدای پای آب سهراب سپهری* را در ازبکستان به زبان ازبکی ترجمه کرد و آن اثر بهترین کتاب سال عنوان گرفت.

دارا نجات، شاعر معاصر تاجیک، نیز متأثر از شعر سهراب سپهری است. مثلاً، وی در شعر «یک پنجه ذوق» چنین سروده است:

بی‌نماز نبودم/ با سنگابدوک¹ طهارتم از سنگاب² بود/ دستارم بود چنبره هلبو³/ جانمازم
برگ ریواج⁴/ یا کنده‌ای گل سنگی/ نماز را می‌کردم ادا/ با علف‌ها/ ارچه‌ها⁵/ دو میسچه‌ها⁶/
برگ دعایم سبز بود/ در شاخ آیه‌ها. (ص 45)

4-2- فروغ فرخزاد

تأثیر شعر فروغ را بر ادبیات تاجیکستان از جمله شعر فرزانه خجندی نمی‌توان نادیده گرفت.⁷ روح نوجویی و کشف دنیا‌های جدید با ابعاد تازه بیش از همه در شعر فرزانه تبلور یافته است. او شعری دارد با عنوان «آری هنوز زیستنم باید» که بندهایی از آن به شعر فروغ شباهت دارد:

من به گنجشکان حسد می‌برم/ زیرا صدای گنجشکان/ صدای صمیمانه شادی ست/ صدای
پر زدن آزادی ست. (خجندی، ص 29)

4-3- مهدی اخوان ثالث

اخوان تأثیری چشمگیر بر شعر شاعرانی چون محمدعلی جنیدی (متخلص به سیاوش) داشته است. مثلاً، به‌ویژه ردپای شعر «کتیبه» و زبان حماسی و روایت‌گونه آن را در شعر «نوروز خون» می‌توان دید:

غبارآلوده آن سالک/ که از ره می‌گذشت آرام تا تدریج/ غبار جاده را از دامنش افشانند و
گفت: «این هیچ، آن هم هیچ!»/ تجلی را درون چشم‌هایش در پس مژگان پنه بنمود⁸/ یکی

1. نوعی آبروی کوچک‌تر از ماهی
2. ساحل سنگی
3. نعنای کوهی
4. ریواس
5 و 6. درخت کاج

7. در این باره، مقالاتی نوشته شده، از جمله: علی‌اصغر بوند شهریاری و طاهره سیدرضایی، «مقایسه شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی و خالد فروغ از منظر نظریه جانسون»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره نوزدهم، ش 1، پاییز و زمستان 1393، ص 45-61.
8. پنه بنمود: پنهان کرد.

آهی کشید، افزود: «یَنتِ هیچ، آنتِ هیچ!» آوه، بارالها، این جهان و آن جهانانت هیچ! / سپس بر تک‌درخت خشکِ پیری تکیه کرد و گفت: «بهار امسال خونین‌دامن و خون‌ریز خواهد آمد ای مردم». (جنیدی، به نقل از قزوه 1، ص 294)

5- اثرپذیری شعر معاصر تاجیک از شاعران انقلاب اسلامی

برگردان آثار تاجیکی به خط فارسی¹ و از سوی دیگر برگردان شعر شاعران معاصر ایرانی به خط سیریلیک² و، همچنین، فعالیت‌های فرهنگی ایران در تاجیکستان با حضور شاعران به مثابه مسئولان فرهنگی³ در اثرپذیری شعر معاصر تاجیک از شعر انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشته است.

شعر انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری از تمام توان شعر سنتی و نو، توانسته است در شکل و محتوای شعر تاجیکستان تغییرات خاصی ایجاد کند. در قالب‌هایی مثل مثنوی، نیمایی و سپید، رباعی و غزل، تأثیر شاعرانی چون قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، سلمان هراتی و... بسیار چشمگیر و خود نیازمند تحقیقی مفصل و جداگانه است.

پیش از این، قالب دوبیتی پیوسته از مطرح‌ترین و مقبول‌ترین قالب‌های مورد استفاده شاعران تاجیک بود اما اخیراً، با تأسی به شعر انقلاب، در بهره‌گیری از قالب‌ها تعادلی ایجاد شده است. شاعرانی چون فرزانه خجندی، دارا نجات، محمدعلی عجمی، رستم وهاب‌نیا، عبدالله حکیم، شهنازه نظیراوا و... را می‌توان از کسانی دانست که با تأثیرپذیری از شعر انقلاب اسلامی در ایجاد این تحول مؤثر بوده‌اند.

دارا نجات (ص 197) در مجموعه شعر در کوچه لیلی، در شعر «آنجا»، چنین سروده:

1. علیرضا قزوه، خورشیدهای گمشده (اشعار صد شاعر تاجیک در یک‌صد سال اخیر)، حوزه هنری، تهران 1376.

2. همو، غزل معاصر ایران، برگردان و توضیح رحیم قبادیانی، حوزه هنری، تهران 1376.

3. مثلاً می‌توان از حضور علی موسوی گرمارودی، در سمت رایزن فرهنگی، و علیرضا قزوه، در سمت وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، یاد کرد.

هوس‌هایی/ پُر از سیب و گندم/ و بهشت/ همیشه‌های عشرت/ اما بهشت را با این همه
هوا چگونه می‌پایی؟! کانجا نیارستی خورد/ نه گندم و نه سیب/ و نتوانی یافت/ نه فتنه و
نه فریب؟!!

که در نگاه نخست به نظر می‌رسد متأثر از این شعر قیصر امین‌پور است:
نه گندم و نه سیب/ آدم فریب نام تو را خورد/ از بی‌شمار نام شهیدانت/ هاییل را که نام
نخستین بود/ دیگر/ این روزها/ به یاد نمی‌آوری/ هاییل نام دیگر من بود. (امین‌پور،
ص 39)

محمدعلی عجمی نیز در غزل «صدای آشنایی» مصراعی از علیرضا قزوه تضمین
کرده است:

و بی‌خط نگاهت راه را از یاد می‌بردم اگر مهرت نبود، ماه را از یاد می‌بردم
«شبی تب داشتم، رفتی و قرص ماه آوردی» که بی‌لطف تو روز و ماه را از یاد می‌بردم
اگر از سوره دست کلیمت بی‌خبر بودم به قرآنت که بسم‌الله را از یاد می‌بردم
(عجمی 2، ص 112)

شبی تب داشتم، رفتی و قرص ماه آوردی برایم شیشه‌ای از عطر بسم‌الله آوردی
(قزوه 1، ص 90)

مهم‌ترین تأثیر شعر انقلاب بر شعر تاجیک در حوزه شعر آیینی است. حضور واژگانی چون
«سوره»، «کلیم»، «بسم‌الله»، «قرآن» و... در شعر تاجیک همه به تأثیر از شعر انقلاب و به‌ویژه
حوزه شعر آیینی بوده است. محمدعلی عجمی، در غزل «انتظار» چنین می‌سراید:

به میخانه یک‌شب روم، شور محشر کنم روم تا که آیین پشمینه دیگر کنم
کجایی مسافر! نشینی سر سفره‌ام برایت حکایت من از نان و خنجر کنم
(عجمی 2، ص 105)

که، در آن، هم اثرپذیری شاعر از ادب آیینی مشهود است و هم تلمیح به شعر «نان و
خنجر» علیرضا قزوه. رستم وهاب‌نیا نیز در بیشتر غزل‌هایش از اصطلاحات آیینی بهره
گرفته است:

می‌کشد ز بند دل قبله نخستینم کعبه در میان جان، روی بر فلسطینم

کو حلاوت ایمان تا ز قدس محروم
از ملامت وجدان درد می‌کند دینم

(وهاب‌نیا 2، ص 43)

شعر انقلاب اسلامی تأثیری عمیق‌تر در شعر تنی چند از شاعران تاجیکستان گذاشته و شعر آن‌ها را از حیث قالب و محتوا متحول کرده است؛ تغییر و تحوّل که خود از مقوله نوآوری و نوگرایی در شعر تاجیکستان به شمار می‌آید. شاید بتوان چهار شاعر معاصر تاجیکستان را مرّی این نوگرایی و ابداع دانست: دارا نجات در شعر سپید و نیمایی، محمدعلی عجمی و رستم وهاب‌نیا و محمدعلی جنیدی (سیاوش) در شعر سنتی و به‌ویژه در غزل و قالب مفرد.¹ در ادامه، به جلوه‌هایی از این نوگرایی زبانی و محتوایی در غزل‌های دو شاعر معاصر تاجیک (عجمی و وهاب‌نیا) می‌پردازیم.

5-1- اوزان تازه

استفاده از اوزان تازه در غزل امروز تاجیکستان درخور توجه است و یکی از دلایل آن را اقبال شاعران تاجیک به غزل‌های بیدل دهلوی می‌توان دانست. برخی از این اوزان عبارت‌اند از:

- فاعلاتن مفاعن فع، فاعلاتن مفاعن فع:

در بهاری که خاک این دشت مثل گلبرگ لاله پاک است

پاره‌های دل من و توست آفتابی که زیر خاک است

(عجمی 2، ص 130)

- فاعلن مفاعن، فاعلن مفاعن:

با زمانه چون نساخت، از زمانه رفت رفت
ساده‌رو و ساده‌دل، بی‌بهبانه رفت رفت

(همان، ص 111)

- فعولن مفاعلان، فعولن مفاعلان:

نشستیم و زار زدیم، خبر ناگوار بود
چه سخت است مرگ گل، و او یک بهار بود

(همان، ص 102)

1. در مقدمه کتاب خورشیدهای گمشده (علیرضا قزوه، حوزه هنری، تهران 1376)، به تفصیل درباره دلیل گزینش این چهار شاعر، به مثابه شاعران اثرگذار و ابداع‌گر، بحث شده است.

– مستفعلن مستفعلن فعلن، مستفعلن مستفعلن فعلن:

من باز می‌آیم به دیدارت روزی که می‌سازی فراموشم

دل می‌کنم از هرچه دنیایی ست، از خویشتن هم چشم می‌پوشم

(همان، ص 93)

– مفعول مفاعیلن فع، مفعول مفاعیلن فع:

از خویش برون باید رفت، در فکر همینیم امشب یک سفره تماشا بردار، آینه بچینم امشب

(همان، ص 72)

استفاده از اوزان غریب با طول مصراع‌های بلند از ویژگی‌های غزل معاصر ایران است و در شعر سیمین بهبهانی، حسین منزوی، محمد قهرمان، محمدعلی بهمنی و... نمود دارد و نمونه‌های عالی آن را در شعر شاعران جوان انقلاب نیز می‌توان دید. البته، اعتنای دوباره شاعران تاجیک به غزل بیدل دهلوی نیز در این زمینه مؤثر بوده است.

5-2 ترکیبات تازه

– بیت‌الله گیسو:

به من کی آن قد و آن خالِ رویت دست خواهد داد؟

دخیلی بسته‌ام از گل، به بیت‌الله گیسویت

(همان، ص 20)

– جبرئیل دست‌ها:

جبرئیل دست‌هایت پس کجاست؟ مور اگر رفتم، سلیمان آمدم

(همان، ص 127)

– سوره اشک:

خواند سوره‌های اشک را کلیم بندبند رود پاره شد گسست

(همان، ص 88)

– زبان بومی موی:

قصه زلف تو را هرچند با شب گفتم شب نمی‌فهمد زبان بومی موی تو را

(همان، ص 86)

5-3- نگاه عارفانه در شعر امروز تاجیکستان

عرفان در آسیای مرکزی با حضور بزرگانی چون میرسیدعلی همدانی، یعقوب چرخ، خواجه احمد یسوی و... از سابقه درخشانی برخوردار بوده است اما، در روزگار معاصر، بر اثر نفوذ فرهنگ بیگانه حضور و بروز چندانی در ادب تاجیکستان ندارد. با این همه، امروز در شعر شاعرانی چون محمدعلی عجمی و رستم وهاب‌نیا از پشتوانه درخشان پیشین خود برخوردار است:

عشق آمد آب‌ها را می کند بند بند استخوان را نی کند
عشق امشب با فریدالدین رسد هفت شهر عاشقی را طی کند
پیر ما سجاده طاعت به دوش از بخارا رو به سوی ری کند

(همان، ص 96)

پیدایش گرایش عرفانی در شعر معاصر تاجیکستان ربطی وثیق با تفکر و شعر انقلاب اسلامی دارد. احیا و بازتولید مفاهیم و عناصر عرفانی در شعر شاعران انقلاب، در گستره تعامل ادبی شاعران ایران و تاجیکستان، به خلق این مفاهیم در شعر معاصر تاجیکستان کمک کرده است.

6- آرایه‌های بیانی و بدیعی در شعر تاجیکستان

برخی آرایه‌های بیانی و بدیعی نیز نشانه رویکرد نوآورانه در شعر امروز تاجیکستان است؛ به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

- واج‌آرایی:

ای نوش جان و نشئت سرشار آرزو ای نشتری که نیش تو خواهد جگر بیا

(رستم وهاب‌نیا، به نقل از قزوه 2، ص 99)

- بازسازی تلمیحات اساطیری و تاریخی:

ای یونس زمانه، دوا در پیام توست در کام این نهنگ زبان را نگاه دار

(وهاب‌نیا 2، ص 106)

از عدم ما را فراخواندند تا آدم شویم
بذر این نه آسمان بنشانده در یک مشت خاک
از بهشت عدن هم رانند تا آدم شویم
باز روی خاک بنشانند تا آدم شویم
(همو 1، ص 5)

ای برادرها نمی‌سازم دگر با گرگ‌ها
عاشقم من، یوسف چاه زنخدانم کنید
(عجمی 2، ص 106)

7- بیدل‌گرایی در غزل امروز تاجیکستان

سرزمین ماوراءالنهر پیوندی ناگسستنی با شعر بیدل دارد و برخی شاعران تاجیک مثل طغرل احراری و حاجی حسین کنگرتی، در روزگاری نه چندان دور از ما، سخت از بیدل متأثر بوده و به شیوه وی غزل سروده‌اند. یکی از دلایل زنده ماندن شعر و خیال در تاجیکستان همین آشتی و آشنایی با شعر بیدل است. بیدل از زمره شاعرانی است که در دوران حاکمیت روسیه تزاری و شوروی نیز مورد توجه بوده و شماری از ادبای روسیه و اروپای شرقی بیدل‌پژوه بوده‌اند.¹ بیدل‌گرایی اگرچه می‌تواند نوعی سنت‌گرایی در شعر تاجیکستان تلقی شود، گسترش دامنه پژوهش و چاپ آثار نو در زمینه بیدل‌شناسی و نسخه‌پژوهی در ایران نیز، که منجر به طبع مکرر آثار بیدل شده، زمینه تازه‌ای برای آشنایی دوباره شاعران تاجیکستان از زوایایی نو با شعر و اندیشه بیدل فراهم کرده است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، استفاده از اوزان بلند از جمله آثار بیدل‌گرایی در شعر امروز تاجیکستان است. بیدل‌گرایی را در این غزل‌ها می‌توان دید:

ما سوختگان خنده به ماتم نفروشیم
گر قحطی لبخند شود، غم نفروشیم
(همان، ص 79)

گمنام عاشقان فراموشیم
فریاد می‌زنیم که خاموشیم
(همان، ص 92)

1. برای مطالعه بیشتر ← یرژی بچکا، ادبیات فارسی در تاجیکستان (از رودکی تا بیدل و از بیدل تا عصر حاضر)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی-مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، تهران 1372. نیز ← ابراهیم خدایار، غریبه‌های آشنا، تمدن ایرانی، تهران 1384.

وهاب‌نیا نحوهٔ آشنایی خود را با بیدل، در گفتگویی با نگارندهٔ مقاله، این‌چنین گفته است:

بیدل از دوران نورسی، هم از طریق مدرسهٔ دولتی و هم آموزش خصوصی مذهبی (بیدل‌خوانی)، به ذهن من راه یافته و بعداً در دانشگاه مطالعات آزاد خصوصی مدتی شیفتهٔ کلام و سبک بیدل بودم و یکی از رساله‌های دوران دانشجویی فوق لیسانس من نیز مربوط به افکار توحیدی بیدل در رباعیاتش بود... آن‌زمان بود که در مقطع یک غزل نوشته بودم:

دینهٔ دل، صبح پس‌فردای عقل انقلابِ شرق در بیدل بُده ست

او در مقطع غزل دیگری سروده است:

بیدل به پند تو دل من کار می‌کند با شاد زنده است، به ناشاد زنده است

که تلمیحی است به بیت ابوالمعانی:

زندگی در گردن افتاده ست، بیدل چاره چیست؟

شاد باید زیستن، ناشاد باید زیستن

اما تأثیر کلام بیدل برای بنده شاید بیشتر از این‌ها در عبارت‌آرایی، تصویرسازی و چندمعنی به کار بردن کلمات باشد و از همه مهم‌تر راه‌جستن به شعریتی که در نفس اصل واقعیت‌ها هست؛ مثلاً فرد:

مرا گویی زمینی باش، جانا زمین هم در فلک پرواز دارد

(وهاب‌نیا 3، ص 7)

و نیز این ابیات که به پیروی از بیدل سروده شده است:

اگر تسخیرِ باور می‌توان کرد جهانی را مستخر می‌توان کرد
سر رشته‌چو در دست فرشته‌ست از این افسار افسر می‌توان کرد

(همان‌جا)

8- تلفیق فرهنگ دینی و ملی در شعر تاجیکستان

ادبیات تاجیکستان در روزگار معاصر مجرای تصویر خود را تغییر داد و، بیشتر، از تصویرات اجتماعی میل به سوی بازتاب معنویت نمود؛ به‌ویژه در شعر معاصر این حالت را می‌توان دید. شاعران تاجیک بازتاب عالم باطنی انسان و دنیای پیچیدهٔ آن را در شعر خود بازگو کرده‌اند.

در یکی از شعرهای رستم وهاب‌نیا، کربلا و نامه زیریران¹، هریک، نماد بخشی از فرهنگ دینی و ملی‌اند. در روزگاران که بین این دو فرهنگ تعادل بوده، فرهنگ ما رشد کرده است. در تاجیکستان امروز، بین ملیت و دین تعادل نیست، بلکه ملیت بیش از دین نقش‌آفرینی می‌کند و حکومت این کشور رسماً خود را دنیایی و سکولار می‌داند؛ اما این تعادل به شکلی آگاهانه در شعر شاعرانی چون عجمی و وهاب‌نیا دیده می‌شود. محمدعلی عجمی، در کنار ستایش میهن و سمرقندِ چو قند و بخارای شریف، دین‌ستایی را نیز فراموش نمی‌کند و می‌کوشد بین دین و ملیت در تفکر شعری خود اعتدال برقرار کند:

من زبانم لال، این شب‌ها نمازم مرده است / از سمرقندم چه می‌پرسی؟ حجازم مرده است
(عجمی 2، ص 26)

مفهوم ملیت در شعر امروز تاجیک بسیار پُررنگ است و جایگاه ویژه‌ای دارد. شاعران تاجیک هم برای بزرگان پیشین و میهن بسیار شعر گفته‌اند و می‌گویند و هم پدیده‌های طبیعی تاجیکستان برای آنان والایی و ارج ویژه‌ای دارد. سرودن شعر در مدح امیراسماعیل سامانی تا بزرگان حکومت و سیاست و تا غزل‌سرایی در وصف کوهستان‌ها، رودها و مناظر طبیعی تاجیکستان یکی از علایق ادبی شاعران امروز تاجیک است. در شعر عجمی و وهاب‌نیا اما رنگ‌وبوی مدیحه برای ارباب قدرت را نمی‌توان سراغ گرفت؛ تنها دل‌تنگی از دور ماندن از سمرقند و بخاراست که در شعر آن دو نیز دیده می‌شود. ضمن آنکه عجمی این دو شهر را با خراسان نیز پیوند می‌زند و از یاد نمی‌برد که این‌ها همه روزی جزء خراسان بزرگ بوده‌اند:

1. فدای آنان که بهتر از من سخن سرایند و بی‌صدایند / فدای آنان که نای عشقند و سینه‌چاکان بی‌نوایند / فدای آنان که در سراغ ستاره رفتند و برنگشتند / و هر صبحی در انتظارم که از پس قله می‌برآیند / فدای آنان که زخم در دل، سرشک در دیده، پای در گل / ستاده صد فتنه را مقابل چو قلعه آهن و فایند / فدای آنان که موج سرخاب را به پیغام می‌فرستند که در کنار زلال‌کوثر چو تشنه‌جانان کربلایند.

سمرقند و بخارا و خجندم در آغوش خراسان است امشب

(همان، ص ۵۸)

غمی دارم نشابوری، دلی دارم بخارایی بیا با تیر مژگان خراسانی شکارم کن

(همان، ص ۳۸)

در این ابیات نیز وطن و مظاهر ملی در کنار «شاه خراسان»، حضرت علی بن موسی الرضا^(ع)، که نماد مفاهیم مذهبی است، خوش نشسته:

وطن اینت نبود، آنت نمی بود همه این درد بر جانت نمی بود
 ز بهرت می گذشتم می گذشتم اگر شاه خراسانت نمی بود

(همو ۱، ص ۷۹)

۹- نتیجه

بین ادبیات ایران و ادبیات معاصر تاجیکستان وجوه مشترک فراوانی می توان یافت. به نظر می رسد به استثنای عهد یگانگی ادبی گذشته در روزگاران، در هیچ دوره ای مثل یکی دو دهه اخیر، تا بدین حد بین ادیبان دو کشور قرابت وجود نداشته است؛ قرابتی که محصول درک درست از نوگرایی در شکل و زبان و پیام و محتواست و در شعر تنی چند از شاعران نوگرای تاجیکستان خود را نشان داده است. در این مقاله، شاخصه های ادبیات نوین تاجیکستان تبیین و با تمرکز بر برخی نمونه های شعری، در دو بُعد زبانی- بلاغی و محتوایی تحلیل و بررسی شد. علاوه بر تبیین وجوه ادبی شعر این شاعران، به ایضاح مفاهیم نیز پرداخته شده است. استفاده چشمگیر از آرایه های بیانی و بدیعی، حضور مفاهیم اعتقادی و فرهنگی از قبیل تلفیق درست دین و ملیت و درک درست از نوگرایی با تکیه بر سنت و... از ویژگی های بارز غزلیات شاعران مذکور به طور خاص است. با نگاهی تطبیقی به شعر شاعران تاجیک و نیز بررسی وجوه اثرپذیری شعر آنان از شعر معاصر ایران در دو عرصه شکل و محتوا، به رغم تفاوت های موجود،

می‌توان به گونه‌ای از قرابت و وحدت ادبی بین شعر معاصر تاجیکستان و ایران در دهه‌های اخیر قائل بود.

منابع

- امین‌پور، قیصر، *آینه‌های ناگهان*، افق، تهران 1380.
- بازار صابر، برگزیده اشعار/استاد بازار صابر، به اهتمام رحیم مسلمان‌نایی قبادیانی، مؤسسه انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران 1373.
- تورسون‌زاده، میرزا، *جان شیرین*، عرفان، دوشنبه 1986.
- خدایار، ابراهیم، *غریبه‌های آشنا* (شعر فارسی ماوراءالنهر قرن بیست با تکیه بر محیط‌های ادبی خوقند و خوارزم)، مؤسسه مطالعات ملی: تمدن ایران، تهران 1384.
- خجندی، فرزانه، *پیام نیاکان* (گزیده اشعار)، به کوشش قیصر امین‌پور، سروش، تهران 1375.
- دارا نجات، *در کوچۀ لیلی* (گزیده اشعار)، نشر تکا، تهران 1387.
- شاه منصور خواجه‌اف، «سهراب در سپهر شعر تاجیک»، شعر، سال سیزدهم، ش 43، تابستان 1384، ص 18-24.
- شعردوست، علی‌اصغر، *ایران در شعر معاصر تاجیکستان*، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران 1389.
- شکوری (1)، محمدجان، «ادبیات معاصر تاجیکستان»، گفتگوی منتشرشده در *روزنامه شرق* (پنج‌شنبه، 29 دی 1390).
- _____ (2)، *خراسان است اینجا*، به کوشش حسنعلی محمدی و علی‌اکبر شرفی، فرتاب، تهران 1376.
- شکورزاده، میرزا، «تأثیر حافظ بر محیط ادبی بخارا و شعر نوین تاجیکستان»، *فروزش*، ش 5، زمستان 1391.
- شمس لنگرودی، محمد، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، نشر مرکز، تهران 1370.
- شیرعلی، لایق، *گلچین اشعار*، برگردان از خط سیریلیک به فارسی: میرزا شکورزاده، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران 1379.
- عجمی (1)، محمدعلی، *اندوه سبز*، حوزه هنری، تهران 1376.
- _____ (2)، *عطر شب‌های خراسان* (گزیده اشعار)، نشر تکا، تهران 1386.
- _____ (3)، *واخوری*، ادیب، دوشنبه 1980.
- غفاروف، عبدالله‌جان، «شهرت حافظ در تاجیکستان و هندوستان»، *فند پارسی*، ش 1، آذر 1369، ص 108-117.

- قزوه (1)، علیرضا، خورشیدهای گمشده (گزیده شعر امروز تاجیک)، حوزه هنری، تهران 1376.
- _____ (2)، غزل معاصر تاجیکستان (تأملی در آثار چهل و چهار شاعر غزل‌سرای معاصر تاجیک) (پایان‌نامه دکتری)، به راهنمایی پروفسور محمد یوسف امام اف، دانشگاه دولتی-ملی تاجیکستان، کرسی نظریه و ادبیات نوین فارسی تاجیکی، تاجیکستان 2004.
- گلرخسار صفی‌اوا، گلچینی از اشعار گلرخسار صفی‌اوا، برگردان از خط کریل به فارسی: میرزا شکورزاده، مؤسسه انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران 1373.
- مرادی، نورعلی، «شعر تاجیکستان»، چیستا، ش 96 و 97، اسفند 1371 و فروردین 1372، ص 52-56.
- وهاب‌نیا (1)، رستم، «شعر معاصر تاجیک»، صدای شرق (ارگان آفاق نویسندگان تاجیکستان)، ش 1121، فوریه 2010، ص 8-11.
- _____ (2)، شهر خورشید، دیوشتیج، دوشنبه 2008.
- _____ (3)، «هزار بدیهه»، ادبیات و صنعت، ش 321، فوریه 2013، ص 9-11.
- Perry, J. R., «Tajik literature: Seventy years is longer than the millennium», *World Literature Today*, Vol. 70, Issue 3, pp. 571-576.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی